

به نام خدا

مطالعه تغییرات سیاسی – اقتصادی شهر لاهیجان رشت از دوره صفویه تا پایان دوره قاجاریه

مولفان:

دنیا حیدری نژاد

حلیمه جانی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۱۰۲۱۵۷۰۹
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۲۳۵-۱
سرشناسه: حیدری نژاد، دنیا، ۱۳۷۲-
عنوان و نام پدیدآور: مطالعه تغییرات سیاسی - اقتصادی شهر لاهیجان رشت از دوره صفویه تا پایان دوره قاجاریه [منابع الکترونیکی: کتاب] / مولفان دنیا حیدری نژاد، حلیمه جانی.
مشخصات نشر: مشهد: ارسطو، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری: ۱ منبع برخط (۱۰۲ص).
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. [۹۹] - ۱۰۲.
نوع منبع الکترونیکی: فایل متنی (PDF)
یادداشت: دسترسی از طریق وب.
شناسه افزوده: جانی، حلیمه، ۱۳۶۴-
موضوع: لاهیجان -- تاریخ -- قرن ۱۳-۱۲ق.
موضوع: Lahijan (Iran) -- History -- ۱۸-۱۹th century
موضوع: لاهیجان -- اوضاع اقتصادی -- قرن ۱۳-۱۲ق.
موضوع: Lahijan (Iran) -- Economic conditions -- ۱۸-۱۹th century
موضوع: لاهیجان -- شاهان و فرمانروایان
موضوع: Lahijan (Iran) -- Kings and rulers
رده بندی کنگره: الف/۸/DSR۱۱۹
رده بندی دیویی: ۲۳۳/۹۵۵
دسترسی و محل الکترونیکی: آدرس الکترونیکی منبع

نام کتاب: مطالعه تغییرات سیاسی - اقتصادی شهر لاهیجان رشت از دوره صفویه تا پایان دوره قاجاریه
مولفان: دنیا حیدری نژاد - حلیمه جانی
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۴
چاپ: زبرجد
قیمت: ۱۰۲۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۲۳۵-۱
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



تقدیم به پدر و مادرم:

پدرم: باعث افتخار من است که همواره در راه کسب روزی
حلال قدم برداشتی و دوباره ساختی آنچه زمانه خراب کرده
بود.

مادرم: ای که خود سوختی تا به بهای گزاف شمع جوانیت
،روشنی بخش ما باشی، مفتخرم که فرزند چنین مادری هستم.

فهرست

۹	فصل اول: کلیات
۹	مقدمه
۱۳	فصل دوم: لاهیجان و رشت در دوره صفویه
۱۳	مقدمه
۱۳	وجه تسمیه گیلان
۱۳	سرزمین گیلان
۱۶	تقسیم بندی شهرهای گیلان قبل از سلسله ی صفوی
۱۶	تقسیم بندی شهرهای گیلان در دوره سلسله صفویه
۱۷	شهرهای بیه پس
۱۷	فومن
۱۸	رشت
۱۹	تولم:
۲۰	شهرهای بیه پیش (لاهیجان، لنگرود، رودسر، رانکوه و تمیجان)
۲۰	لاهیجان:
۲۰	لنگرود:
۲۱	رودسر
۲۲	رانکوه:
۲۲	تمیجان:
۲۳	اوضاع اداری و نظامی گیلان در عصر صفوی
۲۶	لاهیجان
۲۸	موقعیت جغرافیایی شهر لاهیجان
۲۹	وجه تسمیه لاهیجان
۳۲	لاهیجان از مغول تا صفویه
۳۸	لاهیجان در دوره صفویه
۴۴	قیام‌های مهم لاهیجان در دوره ی صفویه

۴۴	خان احمدخان دوم
۴۶	قلندر خان
۴۷	وجه تسمیه رشت
۴۸	عوامل موثر جغرافیایی در توسعه شهر رشت
۴۹	اولین کنسولگری در گیلان
۴۹	جمع بندی
۵۱	فصل سوم: رشت و لاهیجان در دوره ی افشاریه و زندیه
۵۱	مقدمه
۵۱	بر تخت نشستن نادر شاه
۵۳	حدود قلمرو جغرافیایی
۵۳	جانشینان نادر
۵۴	منشأ ایلی
۵۵	تقسیم بندی ایالات ایران
۵۵	اوضاع سیاسی
۵۶	تثبیت حکومت زندیه
۵۶	نخستین اختلافات داخل در خاندان زند
۵۶	جانشینان کریم خان زند
۵۸	اولین نشانه های انباشت سرمایه در رشت
۵۸	زندیه
۵۸	جمع بندی
۵۹	فصل چهارم: لاهیجان و رشت در دوره ی قاجار
۵۹	مقدمه
۵۹	لاهیجان در دوره ی اول قاجار
۶۱	جنگ مرتضی قلی خان با هدایت الله خان گیلانی
۶۳	جنگ آقامحمدخان و مرتضی قلی خان
۶۴	امین الدیوان لاهیجانی حاکم لاهیجان
۶۵	حکومت لاهیجان از فتحعلی شاه قاجار تا پایان این دوره
۷۱	فتح گیلان و شکل گیری رشت در دوره ی قاجار

تاریخچه ی شهرداری رشت	۷۵
حاکمان گیلان در زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار	۷۵
حاکمان گیلان در زمان سلطنت محمد شاه قاجار و ناصرالدین شاه	۷۷
وضعیت اقتصادی گیلان	۸۱
رونق اقتصادی لاهیجان	۸۱
مالیات گیلان در دوره ی قاجار	۸۴
صادرات لاهیجان در دوره ی قاجار	۸۴
توصیف لاهیجان از دیدگاه مورخان و جهانگردان	۸۶
توصیف رشت از دیدگاه مورخان و جهانگردان	۹۳
پیربازار و نقش آن در توسعه ی شهر رشت	۹۴
توصیف پیر بازار از دیدگاه مورخان و جهانگردان	۹۵
راه آهن در پیر بازار	۹۶
اهمیت پیربازار در تسهیل لشکر کشی و تجاوز روسیه	۹۶
فهرست منابع	۹۹

فصل اول:

کلیات

مقدمه

لاهیجان از شمال به دریای خزر، از مشرق به لنگرود، از جنوب به رودبار، از جنوب غربی به سیاهکل و از غرب به سفید رود و لشت نشاه منتهی می شود. لاهیجان در دامنه شمالی البرز قرار گرفته است و بنای آن را به لاهیج بن سام بن نوح نسبت می دهند. در سابق به نام دارالاماره یا دارالامان معروف بود و بعدها به نام لاهیجان المبارک نامیده شده است. در سال ۷۰۶ ه.ق به تصرف اولجایتو در آمد و سپس محل اقامت سادات امیرآیائی شد و بعد از انقراض این سلسله مقر حکام صفوی بیه پیش گردید. لاهیجان از زمین لرزه ها و آشت و آشتارها و آتش سوزیها و امراض مسری متحمل خسارات جانی و مالی زیاد شده است. لاهیجان در دوره ی صفویه مورد توجه شاهان این سلسله قرار گرفته است و یکی از دلایل آن هم پناه دادن اسماعیل مؤسس این سلسله قبل از تشکیل حکومت صفویه بود. در دوره ی کوتاه حکومت خان احمدخان، یکی از خان های قدرتمند لاهیجان، با دولت صفویه در جنگ بود. اما با وجود این لاهیجان در دوره ی صفویه یکی از مهمترین شهرهای ایران بود.

اما این شهر در دوره ی قاجار مورد کم لطفی قرار گرفت و شاهان قاجار نتوانستند با گماردن حاکمان با کفایت از رکود این شهر جلوگیری کنند. هرچند در دوره های کوتاهی مانند زمان امیرکبیر تا حدودی توانست جایگاهی برای خود کسب کند، اما این نیز کافی نبود. از طرفی حضور روس ها در گیلان باعث تحوّل در نظام سیاسی و اقتصادی این منطقه شد و عناصر نوین سرمایه داری را به این منطقه انتقال داد. این تحوّل موجب شد تا گیلان برای نخستین بار دارای شهرت مرکزی (رشت) شود که کانون ارتباطات گیلان با دولت مرکزی و کشورهای دیگر باشد. روسها به علت موقعیت مکانی رشت، این شهر را به مرکز تمرکز نیروهای نظامی و سیاسی خود، برای کنترل بر این منطقه تبدیل کردند. دسترسی رشت باتوجه به بریدگی ساحلی انزلی برای تجارت داخلی و خارجی در منطقه نظیری نداشت. بهترین نقطه ی تماس سواحل این دریا با نواحی داخلی ایران از این نقطه آغاز می شد.

گیلان منطقه ای تاریخی در حدود دلتای رود سفیدرود است که میهن مردم گیلک در دوران باستان بود. به ساکنان ایرانی کنونی آن که به زبان گیلکی تکلم می کنند، گیلک گفته می شود. رودخانه سفیدرود گیلان را به دو بخش بیه پس (سرزمین گلای) و بیه پیش (سرزمین آماردیها) تقسیم می کند. نویسنده حدودالعالم از مردم دو بیه پیش و بیه پس با عنوان این سوی رودیان و آن سوی رودیان نام می برد و روی شخصیت ستیزه جوی مردانش تأکید می کند، که در نبردهای بین روستاها که تا زمانی که سن بالا، آنان را به متعصبانی مذهبی تبدیل کند، تنها پیشه آنهاست، ظاهر

می‌شود (رابینو، ۱۳۷۴). منابع جدیدتر عمدتاً به لغت‌های محلی بیه پیش و بیه پس اشاره می‌کنند. بیه پس نام سرزمینهای بخش غربی گیلان در غرب سفیدرود است. بیه پس در کنار بیه پیش و تالش، گیلان را تشکیل می‌دهند. بیه پس مناطقی مانند رشت و فومن و صومعه سرا و خمام را شامل می‌شد. به ترتیب، رودسر و لاهیجان مرکز تاریخی بیه پیش هستند. در لهجه محلی بیه به رودخانه یا ساحل رودخانه اطلاق می‌شده و منظور از رودخانه همانا سفیدرود مظهر برکت و زاینده‌گی بوده است. رشت و لاهیجان در طول زمان بترتیب پایتخت دو قسمت بیه پس و بیه پیش بوده اند که البته در مقطعی از زمان فومن بعنوان مرکز بیه پس شناخته می‌شده است. در قرن چهارم هجری (قرن دهم میلادی) و یا دوره ای که خاندان بویه در اوج قدرت بوده اند تمام گیلان و همچنین ولایات کوهستانی مشرق و طول ساحل دریای خزر (طبرستان گرگان و قومس) ضمیمه ولایت دیلم بوده ولی در دوره های اخیر ولایات شرقی از آن مجزا شد. نام دیلم بعدها در اثر عدم استقلال از بین رفت و دشتهای دلتای سفیدرود نام خود را به مجموعه نواحی مجاور داد و سراسر به نام گیلان خوانده شد. اما به طور دقیق گیلان نام منطقه ساحلی بوده و به مناطق کوهستانی مشرف بر آن، نام دیلمان اطلاق می‌شده است. در اعصار مختلف دیده می‌شود که این نام گاهی به یکی و گاهی به دیگری تعلق می‌گرفت و منظور از آن سراسر نواحی ساحلی جنوب غربی دریای خزر بوده است (ستوده، ۱۳۷۷).

گیلان بیه پس شامل چهار شهر بزرگ بود که هر یک معمولاً امیر مستقلی داشت که بر شهر و تمام نواحی اطراف آن حکومت می‌کرد. فومن در مرکز این منطقه و مجاور کوهستان ها قرار داشت. در سمت مشرق به طرف دریا شهر تولم واقع بود. گسگر در مجاورت ولایت فومن و رشت واقع شده و کمی از ساحل دریا فاصله داشت. از نظر مذهبی تمام ساکنان این منطقه حنبلی مذهب بودند. شهرهای گیلان در اطراف خود حصار نداشتند ولی پادشاهان قلعه های مستحکمی در آن بنا کرده بودند. تمام ساختمان ها از آجر بود. فرش خانه ها مانند خانه های بغداد از آجر و بام ها لته پوش و بعضی از بام ها نیز گالی پوش بود. لازم به توضیح است که قطعات تخته به ابعاد ۳۰ در ۲۰ سانتیمتر است و گالی از ساقه برنج گرفته می‌شود که به آن کولش هم می‌گویند. اما دو قوم کاس و خزه که تاکنون شاید کمتر به آنها پرداخته شده باشد و بخصوص خزه ها که علیرغم تسلطی که در بیشتر اوقات بر دریای خزر داشتند و اصلاً همانگونه که پیداست نام این دریا نیز از این قوم گرفته شده است به جرأت می‌توان گفت که برای اکثر مردم گیلان ناشناخته اند. کاس ها نیز همچون خزه ها قومی جزیره نشین بودند و مردان و زنان زیباروی آنها که دارای چشمانی به رنگ دریا و آسمان و موهایی بلوند بودند با دریا پیوندی ناگسستنی داشتند. در اینجا بد نیست به نکته ای اشاره شود و آن اینکه در حدود قرن شانزدهم میلادی یعنی هنگامی که کاس ها بر دریای خزر تسلط داشتند، البته این سلطه به تناوب با خزه ها عوض می‌شد، گروهی شرق شناس برای تهیه نقشه های جغرافیایی به کناره های این دریا که آزمان دریای کاس شده بود آمدند و بدین ترتیب نام پهناترین دریاچه روی زمین را کاسپین نهادند و هنوز هم این دریا نزد اروپاییان به این نام خوانده می‌شود. با توجه به تغییرات فراوانی که در طول قرن های مختلف در استان گیلان به وقوع پیوست، همواره تغییرات فراوانی در تقسیم بندی شهرها، روستا و مناطق مهم این استان رخ داد. همانطور که گفته شده شهرهای رشت و فومن به عنوان شهرهای اصلی بیه پس و لاهیجان و رودسر به عنوان شهرهای اصلی منطقه بیه پیش بودند (مرعشی، ۱۳۶۴).

لاهیجان از قدیمی‌ترین شهرهای گیلان است به طوری که در زمان اشکانیان دژی در شش کیلومتری شهر به نام کهندژ وجود داشته‌است. این دژ تا زمان حمله مغولان در قرن هفتم پابرجا بود که بعد از آن رو به ویرانی نهاد. پیش از اسلام شهر از سه بخش کهندژ، شهرستان و بازار تشکیل می‌شد که در سال ۷۰۹ هجری قمری با حمله اولجایتو ویران گشت و ۲۰ سال بعد در سال ۷۲۹ هجری قمری از نو بنا شد. تا قرن چهارم بیه پیش (سرزمین شرق گیلان که لاهیجان را شامل می‌شود) تابع سلسله‌های دیلم بود که زمانی بر منطقه حکم می‌راندند. تازه از اول قرن چهارم هجری بود که مرکزیت منطقه از کوه به جلگه منتقل شد. با دقت در تاریخ شکل‌گیری شهرها در این دوره متوجه می‌شویم که لاهیجان، رودسر و لنگرود در شرق استان بیش از سایر شهرهای دیگر گیلان مورد توجه واقع شده‌اند (رابینو، ۱۳۷۴).

شاید در این زمان بود که بسیاری از خاندان‌های محلی بیه پس و بیه پیش که در اندیشه حفظ نفوذ و منافع سیاسی و اقتصادی خود بودند، طرح ریزی بسیاری از شورش‌ها و اعتراضات را به عهده گرفتند. در پی درگذشت شاه تهماسب، قزلباشان که با بحران دربار و دولت صفوی و نیز شورش گسترده ی گیلانیان روبه رو بودند، به سوی قزوین، پایتخت صفویان عقب نشینی کردند. با بر تخت نشستن سلطان محمد خدابنده در قزوین و وجود ضعف در دولت صفوی، امیران نواحی مختلف گیلان بار دیگر قدرت گرفتند. در این سال‌ها با توجه به کشمکش‌های مختلف بین قومیت‌های دو سوی سپیدرود با شاهان دوره‌های مختلف دولت صفوی، گیلان به طور دائم دستخوش تغییرات زیادی گردید. رشت در ابتدای سلطنت صفویه روستایی با یکشنبه و چهارشنبه بازار بود، اما با مرکز شدن گیلان، تجارت رونق یافت و بازار رشت در هسته مرکزی این شهر به تدریج رشد کرد. تا پیش از صفویه، مراکز بیه پیش و بیه پس یعنی لاهیجان و فومن بیشترین رونق تجاری را داشتند. مهمترین کالای تولید شده نیز «ابریشم» بود که پیش از صفویه از طریق دریای کاسپین به اروپا صادر می‌شد. با توجه به اینکه مهمترین صادرات آن دوران ایران، ابریشم بود که در گیلان به وفور تولید و به اروپا صادر می‌شد. به همین دلیل صفویه به گیلان لشکر کشید و با تسلط به این منطقه، زمین‌های خالصه و سود سرشار حاصل از تجارت ابریشم را از آن خود کرد. در واقع در زمان شاه عباس، توجه بیشتری به تولید و صادرات ابریشم شد ولی درآمد حاصل از آن صرف توسعه گیلان نشد بلکه این درآمد به سمت پایتخت یعنی اصفهان سرریز می‌شد. در دوره صفویه گستره جغرافیایی از وحدت و امنیت بالایی برخوردار بوده است و تقسیمات کشوری به ولایت و بیگلربیگی تقسیم شد و گیلان یکی از این بیگلربیگی بود. اما در در دوره زندیه ولایات براساس القایی که داشتند، مشهور شدند که دارالمنفعت لقب گیلان به موازات دارالبرکات مازندران بوده است. در دوره قاجاریه تحولات جدیدی به وقوع پیوست و کشور صاحب دولت شد و وزارت داخله تأسیس شد که مسئولیت تقسیمات کشوری را عهده دار شد و گیلان جزء ولایتها محسوب شد (مرعشی، ۱۳۶۴).

ایل قاجار یکی از ایلات بزرگ ایران بود که همزمان با حکومت مغولان وارد ایران شدند و در استرآباد سکنی گزیدن آنها نقش زیادی در تشکیل دولت صفوی داشتند و در جرگه قزلباشان درآمدند. قاجارهای واقع در شمال ایران به دو دسته اشاقه باش و یوخاری باش تقسیم می‌شدند. بعد از سقوط

حکومت صفویه توسط افغانها، قاجارها قصد تشکیل حکومت داشتند اما موفق به این کار نشدند چون رقیب سرسخت آنها نادر شاه بود (ستوده، ۱۳۷۷). با برقراری دولت قاجار در آغاز سده ی سیزدهم هجری قمری و در پی آن، برقراری امنیت و آرامش نسبی در ایران، گیلان وارد دوره ی دیگری از تاریخ خود یعنی تاریخ معاصر شد. در آغاز این دوران، آقامحمدخان قاجار که به فرمانروایی ایران رسیده بود با چیرگی بر گیلان، حکومت گیلان را به پسر دایی خود امیر سلیمان خان سپرد و میرزا محمدحسین خان رشتی به وزارت او تعیین شد. در این سال ها نیز ناکارآمدی سلسله قاجار و بستن عهدنامه های مختلف با روسیه تغییرات مختلف و نابسامانی در استان گیلان به وجود آورد که شهرهای شرق گیلان و مرکز گیلان دستخوش تغییرات فراوانی شدند. شهر رشت به عنوان دروازه اروپا، نخستین بار در عهد قاجار بر سر زبانها افتاد. آنچه از نوشته های مستشرقین در عهد قاجار و اواخر صفویه برمی آید، رشت شهری با خانه باغ های متعدد و بی حصار و بارو که بازار و کاروانسراهای بزرگی داشت، بود. از هند و بخارا و ترکیه بارانداز تجاری به این شهر می آمدند تا ابریشم گیلان را به سمت بنادر خلیج فارس و دریای مدیترانه ببرند (فومنی گیلانی، ۱۳۴۹). در این راستا هدف اصلی این پژوهش مطالعه تغییرات شهر لاهیجان از دوره صفویه تا پایان دوره قاجاریه است.

فصل دوم:

لاهیجان و رشت در دوره صفویه

مقدمه

در این فصل به بررسی تغییرات و اثرات اقتصادی و سیاسی دو شهر لاهیجان و رشت در دوران صفویه پرداخته می‌شود. بنابر این طی آن تلاش می‌شود تا با بررسی مطالعات تاریخی پیشین نشان داده شود که این دو شهر در دوران صفویه شاهد چه تغییراتی بلحاظ سیاسی یا اقتصادی بوده‌اند؟

وجه تسمیه گیلان

گیلان سرزمینی است سرسبز و پوشیده از درختان و گیاهان با طراوت که بین ۳۶ درجه و ۲۳ دقیقه تا ۳۳ درجه و ۱۱ دقیقه عرض شمالی و ۴۳ درجه و ۴۶ دقیقه تا ۱۱ درجه و ۳۲ دقیقه طول شرقی واقع است. در غرب آن آستارا، در شرق آن مازندران، در شمال دریای مازندران و شهر کوچک نمین و در جنوب و جنوب غربی آن قزوین قرار دارد (رابینو، ۱۳۷۴). گیلان و مازندران از نظر جغرافیای طبیعی و اقلیمی با بخش‌های دیگر ایران متفاوت است، به گونه‌ای که هر مسافر پس از اینکه سفر خود را از بخش جنوبی البرز آغاز می‌کند، پس از رسیدن به بخش‌های شمالی البرز، با مشاهده مناظر مختلف این سرزمین، به زیبایی آن اعتراف می‌کند (بدیعی، ۱۳۷۲). سرزمین گیلان از دو منطقه کوهستانی و جلگه‌ای تشکیل شده است. منطقه کوهستانی گیلان شامل کوهستان‌های تالش و بخشی از البرز غربی است و فاصله کوه و دریا، در همه جای سرزمین گیلان یکسان نیست (عظیمی دوبخشری، ۱۳۸۵). منطقه غربی گیلان به جهت اهمیت جغرافیایی آن از مهم‌ترین کانون‌های استقرار انسانی و معیشتی می‌باشد و اساس درآمد اقتصاد کوچ نشینان بر دامداری و جلگه نشینان بر کشاورزی استوار است (کتاب گیلان، ۱۳۷۴). گیلان رودخانه‌های فراوانی دارد از جمله: کرگان رود، قلعه رودخان، صیقلان رود، پلو رود، لنگرود و سپید رود که در بین این رودخانه‌ها، سپیدرود که از کوه‌های چهل چشمه کردستان سرچشمه می‌گیرد و به دریای مازندران می‌ریزد، از اهمیت زیادی برخوردار است و نقش مهمی در اقتصاد منطقه‌ای گیلان ایفا می‌کند (فرجی و همکاران، ۱۳۶۶).

سرزمین گیلان

سرزمین گیلان، گیلان است. هزار سال پیش از میلاد مسیح، یعنی قریب سه هزار سال پیش، سرزمین پر جنگل کاسپین، کادوسیان و گلان، سرزمینی که اکنون از غرب به شرق بخش جنوبی

دریای مازندران، تالش، گیلان و مازندران را تشکیل می دهد در شمال خاک ماد قرار داشت (کشاورز، ۱۳۴۷). رابینو در مورد گیلان می نویسد: نام گیلان از کلمه اوستایی وارنا که نام ناحیه ای در شمال کوه البرز است، مشتق می باشد. کلمه گیلان که از صفت بومی وارنا مشتق شده و معنی آن مربوط به وارنا یا وارنیک است، به مرور زمان در تلفظ به صورت گیلان درآمده است. در اوستا، از مازندران و گیلان، به صورت دو منطقه که مسکن دیوها بوده اند، یاد شده و در تأیید این نکته می توان دیو سپیدی را که در شاهنامه ذکر گردیده است در نظر گرفت (رابینو، ۱۳۷۴). عده ای نیز معتقدند که نام گیلان برگرفته از آب و هوای بارانی و زمین های گل آلود آن است یعنی چون همواره سرزمین گیلان، هوایی پر باران و خاکی باتلاقی و گلی داشت، نام این سرزمین را گیلان نهادند (دلواله، ۱۳۸۱). همچنین این نویسنده عقیده دارد، تلفظ صحیح این کلمه گُل است، زیرا سرزمینی حاصل خیز و مرطوب است. اما مترجم کتاب معتقد است این نظر او صحیح نیست، زیرا گیلان سرزمین گیل هاست و نمی توان آن را با گُل یکی دانست، زیرا در این صورت پسوند آن گُلان می شود و این کلمه اشتباه تلفظ شده است.

مؤلف گمنام کتاب حدود العالم نیز درباره جغرافیای طبیعی، اجتماعی و اقتصادی گیلان می نویسد: گیلان ناحیه ای است جدا میان دیلمان و جبال و آذربادگان و دریای خزران و این ناحیه ایست بر صحرا نهاده، میان کوه و جبال، با آب های روان بسیار و یکی رودیست عظیم، سپیدرود خوانند، میان گیلان ببرد و به دریای خزران افتاد و این گیلان دو گروهند: یک گروه میان دریا و رودند و ایشان را این سوی رود می خوانند و دیگر گروه میان رود و کوه اند، آنان را آن سوی رود می خوانند، اما از این سوی رودیان را هفت ناحیه است بزرگ چون لافجان، میالفجان، کشکجان، برمجان، داخل، تَجَن، جَمَه و اما آنک از آن سوی رودیان اند، ایشان را یازده ناحیه است بزرگ چون حانکحال، ننک، کوتم، سروان، بیلمان شهر، رشت، تولیم، دولاب، کهن رود، استراب، خان بلی و هر ناحیه ای را زین دهها سخت بسیار و این ناحیه گیلانات ناحیه ای آبادان و با نعمت و توانگر است و کار کشت و بذر هم زنانشان کنند و مردانشان را هیچ کاری نیست مگر کی حرب و به همه حد گیلان و دیلمان هر روزی به هر دهی یک بار یا دو بار حرب کنند. طعام همه این ناحیه برنج است و ماهی و از این ناحیه گیلان جاروب و حصیر و مصلی نماز و ماهی افتد کی به همه جا برند (حدود العالم، ۱۳۴۰).

این جا سرزمین پیله و ابریشم است. میوه هایش را به همه سو می برند. کارگانش مهارت دارند، پارچه هایش در مصر و عراق نامبردار است. بارانش فراوان، شهرهایش پاکیزه، ماهی ها پرور، آبادی ها ثروتمند، فرآورده های گوناگون، برنج فراوان است. دریای ایشان گود، شهرشان در کرانه ها، میوه ها گوارا، انجیر، زیتون، ترنج، خرنوب، انگور خوب دارد. روستاها فراخ، شهرها زیبا، خیش ها شگفت انگیز، نامش پرآوازه، آب فراوان، درآمد بسیار و پارچه های خوب دارد (مقدسی، ۱۳۶۲).

یاقوت حموی می نویسد: جیلان (گیلان) نام سرزمینی گسترده در پشت سرزمین طبرستان است. در گیلان شهری بزرگ نباشد که همه ی آن جا روستاهایی است که در دامنه ی کوه ها می باشند. نسبت بدانجا جیلانی و جیلی (گیلان و گیلی) و ایرانیان آن جا را گیلان گویند (یاقوت حموی، ۱۳۸۳). هیرکانیا یا خطه مازندران که پیشینیان آن سرزمین را طبرستان یا تاپورستان یعنی محل سکنا

تاپورها نامیده اند، در دوران هخامنشی و ساسانی یکی از بخش های ساتراپ نشین مهم ایران محسوب می شد و مثل گیلان به واسطه ی وجود موانع طبیعی چون سلسله ی البرز، همیشه در هر دوره ای حکومت شبه مستقلی را برای خود حفظ می کرد و هنگام دست اندازی بیگانگان در حفظ استقلال این دوخطه (گیلان و مازندران) موثر واقع می شد (طاهری، ۱۳۴۷).

جهانگردان بسیاری از سراسر دنیا در سفر خود به ایران به این منطقه آمده اند و مشاهدات خود را از این سرزمین (گیلان و مازندران) به رشته تحریر درآورده اند و دشواری های سفر به گیلان و مازندران را در زمان سفر خود بیان کرده اند از جمله: در زمان صفویه پیتر دلاواله، برادران شرلی، اولناریوس، دوک هلشتاین، ژان شاردن و دوره های بعد، هنوی، فریزر، اورسل و دیگران از سرزمین گیلان دیدن کرده و ضمن تشریح سفرهای خود در مورد راهها، آداب و رسوم، زندگی، موانع طبیعی و کاروانسراهای گیلان و مازندران نوشته اند. همگی این جهانگردان، بلا استثنا، راههای گیلان را هولناک، شیب دار، پر از ناهمواری، دارای گردنه های فراوان، همچنین پر از سیزی و طراوت و پر از درختان لیمو و نارنج و زیتون و سرو و شمشاد و مرکبات توصیف کرده اند (طاهری، ۱۳۴۷). فریزر، آب و هوای گیلان را مرطوب و گرم و خفه کننده و مودی می داند و پوشیده از جنگل های انبوه و گیاهان زود رشد کننده که سر از خاک ها و سنگ ریزه ها در می آورند (فریزر، ۱۳۶۴).

ایالت گیلان در عصر صفویه هم به لحاظ سیاسی و هم از جنبه ی اقتصادی، از اهمیت خاصی بر خوردار نامیده می شد، در ساحل جنوبی دریای خزر واقع است و رشته هیرکانیا بود. این ایالت که در دوران گذشته جبال مرتفع البرز، آن را از سرزمین های جنوبی جدا کرده است. ایالت گیلان نواحی زیادی را در بر می گرفت و گاهی طبرستان و مازندران نیز جزو آن محسوب و عنوان دارالمرز به آن اطلاق می شد (فخرایی، ۱۳۵۴). اصطلاح دارالمرز اولین بار در کتاب گیلان و دیلمستان آمده است (مرعشی، ۱۳۶۴). بر سکه هایی که در ناحیه ی گیلان پیدا شده کلمه ی دارالمرز به چشم می خورد (عقیلی، ۱۳۷۷). رابینو دارالمرز را شامل تمامی مناطق ساحلی خزر از آستارا تا گرگان به شمار می آورد (رابینو، ۱۳۷۴). در واقع نام این ایالت، معرف سرزمین باتلاقی است و در لهجه ی محلی مردم این سرزمین گیل به معنای گِل به کار برده می شود و این بخش از کرانه های دریای خزر از سایر نواحی پست تر است. تعداد بی شماری رودهای سیلابی که از شکاف کوه های البرز سرچشمه می گیرند، نام این سرزمین را که شیب ناچیز آن مانع از تخلیه ی سریع آب است، مشروب ساخته و فضای آن را مدام از رطوبت آکنده است (خودزکو، ۱۳۵۴). در دوره های تاریخی پیش از صفویه، در این ایالت سلاطین کوچکی به استقلال حکومت می کرده اند که در عصر صفویه، اعقاب آنها در گوشه و کنار آن، روزگار می گذراندند. شاه اسماعیل در ادامه ی جنگ های خود با ملوک الطوائف داخلی، توانست ایالت گیلان را به تصرف درآورد (ثواب، ۱۳۷۸).

حمدالله مستوفی که در قرن هشتم و در زمان حمله ی مغول به گیلان می زیست، گیلان را جز اقلیم چهارم و دارای دوازده شهر دانسته است. وی طول گیلان را از رستم دار و سپید رود تا موغان، چهل فرسنگ و عرض آن را از ولایت دیلمان و طولش تا دریا، یک فرسنگ ذکر کرده و درباره ی تقسیمات